

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۰۱ مارچ ۲۰۲۱

خشونتِ عریان و بی‌انتهای نظام

اعمالِ خشونت علیه کارگران و محرومان توسط حاکمان ایران، سابقه دیرینه دارد و ماندگاری نظام‌های وابسته‌ای همچون نظام جمهوری اسلامی در کاربست روزانه آن گره خورده است. یعنی این‌که ارتکاب جنایاتِ ددمنشانه توسط سران حکومتِ فعلی، از گردستان و ترکمن‌صحرا گرفته تا تعرض به کارگران، زحمت‌کشان، بیکاران، زنان، کارتن‌خواب‌ها و گورخواب‌ها و غیره، روشنگر این قضایاست که تضمینِ سیستم و مناسبات سرمایه‌داری، و نیز چپاول اموال عمومی و اسارت جامعه، ربط مستقیمی در به‌کارگیری سیاستِ محوری، یعنی زور سازمانیافته حکومتی دارد. پس تعرض مسلحانه و خونین به دردمندان سراوان بلوچستان، تلف و زخمی شدن ده‌ها تن از آنان را می‌باید در چنین راستایی توضیح و مورد بازنگری قرار داد.

به طور قطع و همان‌طور که مختصراً آمد، این اولین بار نیست که جامعه ایران با این‌نوع جنایات خون‌بار رودررو بوده است. سران حکومت از همان روزهای نخست بر سر کار گماری‌شان، کمر به نابودی و تعرض به جان و مطالبات پایمندی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظامی امپریالیستی بسته‌اند. به عبارت دقیق‌تر، تقویم سیاسی سردمداران نظام جمهوری اسلامی مترادف با یورش وحشیانه به جان و مالِ فرودستان و مترادف با تضمین منفعت بالادستان است. سران حکومت اموال عمومی را بالا کشیده‌اند و هرگونه کسب و کارِ ناچیز و مخالفت‌ها را با دستگیری، شکنجه و با تعرضِ ددمنشانه پاسخ داده‌اند تا مبادا گردش، نیازها و سیاستِ جهان سرمایه‌داری از روندِ دل‌خواه خود باز ماند.

البته [علاوه بر این‌ها] قرار بر این بود که در زیر سایه نظام جمهوری اسلامی فقر برچیده شود و مردم برای تکه نان در مضیقه نباشند! قرار بر این بود که ثروت جامعه، بین مردم تقسیم شود و ریشه «مستضعفین» برچیده شود! قرار بر این بود که سفره مردم خالی نباشد و کودکان به دلیل فقر والدین‌شان از سر کلاس‌ها باز نمانند؛ ولی نه تنها کوچکترین رد و اثری از قول‌وقرارها و وعده‌وعیدها را نمی‌شود در زندگی میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش و کودکان دید، بلکه به میزانی وسیع‌تر از پیش، به در خانه همه لنگر انداخته است. براستی این‌ها از جمله ره‌آورد نظام جمهوری اسلامی برای جامعه و میلیون‌ها توده ستمدیده است و به اثبات رسیده است که همه انگیزه و هدف سران نظام و دیگر دوائر دولتی و نظامی، در تعرض بی‌وقفه به دست‌مایه‌های کارگران و زحمت‌کشان، در تصرف بیش‌تر میدان‌های سودده، در کنترل گسترده‌تر مرزها و محدوده‌های کسب درآمد محرومان است. در چنین چهارچوبه‌ای یعنی تلاش برای اجرای «طرح رزاق» - توسط قرارگاه قدس نیروی زمینی قدس سپاه پاسداران - و آن‌هم به بهانه جلوگیری از قاچاق سوخت است که،

سُوخت‌بران دردمند سراوان بلوچستان در بُعدی وسیع‌تر مورد حمله و وحشیانه قرار گرفته‌اند و جان خود را از دست داده‌اند. نظام جمهوری اسلامی [به مانند همه نظام‌های سرمایه‌داری] نه مدافع [و در حقیقت نه خواهان] و مولدِ شغل برای فارغ‌التحصیلان و محرومان است و نه موافق کسب درآمد از طریق شغل‌های طاقت‌فرسا و پُر خطری همچون گولبری و سُوخت‌بری برای محرومان است. چراکه ایجاد کار برای جوانان و به موازات آن رشد و شکوفائی جامعه، در تضاد با افکارِ منفعت‌طلبانه نظام جمهوری اسلامی است.

پس انتظار و چاره کار در چیست؟

به‌جرات و بنابه هزاران دلیل و سند می‌شود گفت که انتظاری به غیر از آنچه تابه‌حال سردمداران نظام جمهوری اسلامی در برابر توده‌های محروم و رنج‌دیده در پیش گرفته‌اند، نیست. زیرا که بُنیانِ نظام جمهوری اسلامی با دست‌درازی اموال عمومی و دست‌رنج کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی پی ریخته شده است. با این اوصاف حمله به سُوخت‌بران در سراوان بلوچستان را می‌باید در چنین راستائی توضیح داد و به موازات آن صحیح نیست تا آن را به‌پای سیاست تازه، غیرمنتظره و یا نابه‌هنگام سران حکومت گذاشت. حکومت‌مداران به دکه‌داران و دست‌فروشان حمله می‌کنند؛ جان صدها گولبر را به‌دلیل نداری و بیکاری در گُردستان می‌گیرند؛ کودکان را از رفتن به سر کلاس‌ها باز می‌دارند و آنان را به نیروی کار و به خیابان‌های ناامن روانه می‌کنند تا سیاست‌های ضد انسانی و سودجویانه خود را پی گیرند. محرز است که مسبب اصلی همه این‌ها، یعنی روی‌آوری جوانان، مردان، زنان و کودکان به کارهای طاقت‌فرسا، کاذب و پُر مخاطره، نظام وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است؛ محرز است که این‌دست کارها خواستِ کودکان، جوانان و مردم نیست؛ به این علت که استفاده از امکانات و ثروت جامعه برابر نیست و تولیدکنندگان و سازندگان اصلی آن، بی‌نصیب از آنند. کار و تلاش بی‌وقفه از آن کارگران، زحمت‌کشان و محرومانی همچون گولبران و سُوخت‌بران است و در عوض سود آن، از آن سردمداران نظام جمهوری اسلامی و دیگر دم و دستگاه‌های سرکوب‌گری همچون قرارگاه قدس سپاه پاسداران است.

به‌راستی این چه جامعه‌ای است که پاسخ تلاش برای تهیه بدهی و پایه‌ای‌ترین نیازهای زندگی یعنی نان و آب، برابر با گُرو گذاشتن جان است؛ این چه جامعه‌ای است که پاسخ تقاضای حقوق‌های ناچیز و عقب‌مانده، برابر با شلاق، دستگیری، شکنجه و اخراج است. زندگی در ایران برای میلیون‌ها توده رنج‌دیده بمانند مرگ تدریجی شده است و سردمداران نظام جمهوری اسلامی به‌دلیل زیاده‌خواهی‌ها و به‌دلیل جیب‌های بی‌انتهای‌شان، زیرساخت‌های جامعه و زندگی مردم را زیر و رو کرده‌اند؛ متعاقباً اعتراض در هر سطح و شکلی، ممنوعه و جرم به‌حساب آمده و جواب آن‌ها، به غیر از کُشت و کُشتار و سرکوبِ عریان و عنان گسیخته نیست. به طور نمونه هجوم خشونت‌بار دم و دستگاه‌های سرکوب نظام به اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم و جوانان در دوره‌های متفاوت - و بویژه آبان‌ماه و دی‌ماه و نیز تیراندازی به گولبران در گُردستان، سُوخت‌بران در بلوچستان و صدها مورد دیگر، در تخالف با این نظر نیست که بُنیانِ نظام جمهوری اسلامی با کار بست سلاح گره خورده است؛ در تخالف با این نظر نیست که ستیزه‌جویی عریان، از زمره سیاست محوری حاکمیت را تشکیل می‌دهد. نظام جمهوری اسلامی در عمل نشان داده است که فاقدِ پتانسیلِ ارزش‌گذاری و برسمیت شناختن حقوق پایه‌ای محرومان و گفت‌وگو با اینان است. بنابراین و بر خلاف «مصلح‌گران» و «خشونت‌گريزان»، بدون انتخاب سیاست محوری از جانب جویندگان راه‌رهای، یعنی سازمان‌دادن و راه‌اندازی نیروی نظامی، پیش‌رفتِ اعتراضات کارگری و توده‌ای ناممکن، و نیز سیکلِ انقلاب را با مشکلات متعدد رودررو خواهد

کرد. منظور از این‌که در برابر حکومتی که زبان و منطق‌اش، زورِ سازمانیافته است را نمی‌شود با زبان و با منطقِ مسالمت‌آمیز پس زد؟ نمی‌شود بدون برپائی جنگِ انقلابی، پروندهٔ جنگِ ضد انقلابی را بست؟ خلاصه شروع، سازمان‌دهی و بسیج توده‌ای و آن‌هم حولِ عالی‌ترین شکل از مبارزه [یعنی مبارزهٔ مسلحانه] به عهدهٔ سازمان با برنامه و کمونیستی‌ست. جمهوری اسلامی ماندگار شده است به این دلیل که، سازمان حاضر و ماندگار در میدان، و بخصوص در گره‌گاه‌های سرنوشت‌سازی همچون اعتراضات مردمی آبان‌ماه و دی‌ماه، و بخصوص در هنگامهٔ تعرضِ سپاه پاسداران به جانِ توده‌های محروم و سُخت‌بران سراوان بلوچستان نیست. تردیدی نیست که مردم و جوانان و توده‌های محروم، آماده برای انجام کارهای بمراتب بالاتر از اعتراض و مخالفت در برابر سیاست‌های ظالمانهٔ حکومت‌مداران، دولت‌مداران و دم و دستگاه‌های سرکوب‌گرند. آتش‌زدن ماشین‌ها و تسخیر مراکز سرکوب، و نیز مقابلهٔ عملی با نیروهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی، بیان‌گر این واقعیات است که، مردم خواهان زندگی در خُورانسائی و شایسته برای خود و آیندگان‌اند. بیش از چهل است که سران حکومت جانِ جوانان و مردم را به لب‌شائرا رسانده‌اند و تاب و تحملی برای آن‌ها باقی نگذاشته‌اند. بی‌دلیل نیست که هر اتفاق سیاسی در ایران، به بالاترین مقابلهٔ مردمی با نیروهای سازمانیافته و مسلح، و همچنین به تسخیر و به آتش کشیدن اماکنِ سرکوب‌گر نظام منجر می‌شود. بی‌اغراق جامعهٔ ایران در چهار دههٔ حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، با هزاران عکس‌العملِ توده‌ای و عملی روبرو بوده است و ابهامی نیست که روزی خیزش‌ها و مخالفت‌های بی‌سرانجام، از فضا و از خیابان‌های ایران رخت بر خواهند بست و بساط و تاج و تخت حکومت‌مداران و ارگان‌های حافظ بقای آنان‌ها زیر و رو خواهند کرد

۲۸ فبروری ۲۰۲۰

۱۰ اسفند [حوت] ۱۳۹۹